

گزارش

مجمع ایرانی دفاع از حقیقت

Iranian Council For  
Defending The Truth



اردیبهشت ۱۴۰۱



سیاسی

سَلَامٌ عَلَيْكُمْ



# نگاهی مختصر به سیاست خارجی چین در خاورمیانه

سید رضا هاشمی جبلی

دانشجوی کارشناسی ارشد روابط بین‌الملل، پژوهشگر حوزه چین و شرق آسیا



## مقدمه

هم چین و هم خاورمیانه دارای تاریخ تمدنی طولانی هستند. روابط بین چین و خاورمیانه به حدود دو هزار سال می‌رسد. پس از تأسیس جمهوری خلق چین در سال ۱۹۴۹، روابط بین چین و خاورمیانه محدود باقی ماند. این واقعیت به‌ویژه در دوران مائو صادق بود، زیرا چین بیشتر درگیر رویدادهایی بود که در پیرامون آن رخ میداد. باتوجه‌به این وضعیت روابط با خاورمیانه در دوران مائو، ۹ کشور عربی تا اوایل دهه ۱۹۷۰ جمهوری خلق چین را به رسمیت نمی‌شناختند (Zhang Xiaodong, ۱۹۹۹).

هنگامی که دنگ شیائوپینگ در سال ۱۹۷۸ اصلاحات اقتصادی را در چین آغاز کرد، روابط بین چین و خاورمیانه بهبود یافت. بهبود روابط با خاورمیانه برای دنگ شیائوپینگ مهم بود، زیرا او برای پیشبرد روند مدرنیزاسیون خود به واردات انرژی از منطقه نیاز داشت. در دهه ۱۹۸۰، روابط بیشتر بهبود یافت و تا سال ۱۹۹۲، چین روابط دیپلماتیک را با تمام کشورهای خاورمیانه توسعه داد. در سال ۱۹۹۳، چین واردکننده خالص محصولات پتروشیمی از منطقه شد و در نهایت شروع به تقویت روابط اقتصادی نزدیک با این منطقه کرد (Lyall Nicholas, ۲۰۱۹). اما تنها در آغاز قرن بیست و یکم بود که روابط چین و خاورمیانه بهبود چشمگیری را نشان داد.

## روابط چین و خاورمیانه: ۲۰۱۰-۲۰۰۱

اقتصاد چین بین سال‌های ۱۹۹۰ و ۲۰۰۰ با نرخ سالانه ۹ درصد رشد می‌کرد. برای حفظ این رشد، چین نیاز به یافتن مناطق جدیدی برای تضمین واردات انرژی و صادرات کالاهای تولیدی برای حفظ کارخانه‌های خود داشت. از آنجایی که خاورمیانه یکی از بزرگترین تأمین‌کنندگان هیدروکربن است، خاورمیانه به مقصد مهمی برای چینها در خصوص صادرات کالاهای خود و تضمین واردات انرژی تبدیل شد؛ بنابراین، تعداد زیادی از تجار چینی، بازیگران خصوصی و حتی خود دولت چین شروع به سرمایه‌گذاری در خاورمیانه کردند و در نتیجه، روابط اقتصادی و دیپلماتیک شاهد طلوع جدیدی بود (Chen James, ۲۰۱۱). با این حال، از سال ۲۰۰۱ تا ۲۰۱۰، روابط چین با منطقه، بیشتر حول محور تقویت روابط اقتصادی بود.

چین علاوه بر روابط اقتصادی، ردپای نظامی خود را در منطقه گسترش داد. بحث زیادی وجود دارد که چین در منطقه از چتر امنیتی ارائه شده توسط ایالات متحده سود می‌برد. با این حال، چین از طریق عملیات چندجانبه به تأمین امنیت در خاورمیانه کمک کرد. به عنوان مثال، در سال ۲۰۰۶، چین یکی از اولین کشورهای بود که به نیروهای حافظ صلح سازمان ملل متحد در لبنان کمک کرد (Fulton Jonathan, ۲۰۱۹). به همین ترتیب، در سال ۲۰۰۸، چین شناورهای نیروی دریایی خود را برای شرکت در عملیات ضد دزدی دریایی به دنبال قطعنامه سازمان ملل به خلیج عدن فرستاد. علاوه بر این، در طول دهه ۲۰۰۰، چین به منطقه تسلیحات صادر کرد، بنابراین، تجارت در حوزه نظامی را نیز گسترش داد. جدا از فعالیت‌های نظامی فوق، در این دهه هیچ‌گونه درگیری ژئوپلیتیکی از چین در منطقه مشاهده نشد. برای مثال، به طور هم‌زمان روابط دوستانه‌ای با حماس و اسرائیل ایجاد کرد (Singh Michael, ۲۰۱۴)؛ بنابراین، از سال ۲۰۰۱ تا ۲۰۱۰، روابط چین و خاورمیانه در حال شکوفایی بود و به آرامی چین در حال ایجاد زمینه برای خود در منطقه بود. خلاصه آنکه دهه ۲۰۱۰ شاهد ظهور چین است که آماده ایفای نقش سیاسی عمده در امور بین‌المللی است. به عنوان مثال، چین با استفاده از ابزارهای استراتژیک مختلف در حال افزایش نفوذ سیاسی خود در منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا است.

## طلوع یک عصر جدید

از آغاز دهه جدید در سال ۲۰۱۱، علاقه چین به خاورمیانه دوچندان شده است. زیرا از طرفی، چین می‌خواهد نفوذ سیاسی خود را در منطقه از طریق ابزارهای دیپلماتیک و نظامی افزایش دهد تا جایگاه قدرت بزرگ خود را در جهان تثبیت کند. از سوی دیگر هم این کشور می‌خواهد ایده حاکمیت و تمامیت ارضی را ترویج کند و از عدم مداخله در سیاست داخلی کشورهای خاورمیانه حمایت کند.

## چین، خاورمیانه و عصر حاضر

در حال حاضر، چین به عنوان مهم‌ترین بازیگر اقتصادی فرامنطقه‌ای، بزرگ‌ترین منبع سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در منطقه و بزرگ‌ترین شریک تجاری برای اکثر کشورهای خاورمیانه است. این نشان‌دهنده نقش بزرگ‌تری در امور سیاسی و امنیتی منطقه است؛ زیرا ارزش‌داری‌های چین همراه با جمعیت روبه‌رشد مهاجران در منطقه ایجاد می‌کند که نقش فعال‌تری در کمک به نظم منطقه‌ای داشته باشد. ماه گذشته، چین میزبان وزرای خارجه چندین کشور خلیج فارس بود تا راه‌های ارتقای روابط و تعمیق همکاری‌های امنیتی را بررسی کنند. چند روز بعد، وزیر امور خارجه ایران پکن شد تا در مورد سرمایه‌گذاری ۴۰۰ میلیارد دلاری و توافقنامه امنیتی برای کاهش تأثیر تحریم‌های آمریکا بر اقتصاد ایران گفتگو کند. گزارش دیگری تأیید کرد که پکن به سعودی‌ها کمک می‌کند تا دسته جدیدی از موشک‌های بالستیک بسازند که ریاض احتمالاً برای مقابله با ناوگان موشکی ایران سفارش داده است. چین این انبوه بازدیدها و اعلامیه‌ها را به عنوان نمونه‌ای از سیاست فاصله‌گذاری برابر خود با بازیگران منطقه‌ای ارائه کرد. اما این بیانگر این

است که چگونه سیاست چین در قبال خاورمیانه به طور چشمگیری در دوران ریاست جمهوری شیجینپینگ تغییر کرده است. به طور سنتی، پکن از درگیر شدن در منطقه‌ای که زمانی یک محقق چینی آن را "قبرستان پرهرج و مرج و خطرناک دفن امپراتوری‌ها" توصیف می‌کرد، محتاط بود (Mehmet Şimşek, 2020). اما در سال ۲۰۱۴، شیجینپینگ وعده داد تا سال ۲۰۲۳ تجارت با منطقه را بیش از دوبرابر کند. چین به بزرگ‌ترین واردکننده نفت خام تبدیل شده است که تقریباً نیمی از آن از خاورمیانه می‌آید و به‌عنوان بزرگ‌ترین شریک تجاری منطقه در چند سال گذشته ظاهر شده است.

درست است که چین برای بازارهای روبه‌رشد و جمعیت بزرگ خود به نفت نیاز دارد. همچنین واضح است که پکن مایل است منافع تجاری خود را در خاورمیانه از طریق طرح ابتکار کمربند و جاده گسترش دهد. خاورمیانه در تقاطع بین آسیا، آفریقا و اروپا قرار دارد و برای توسعه اقتصادی چین بسیار مهم است. اما این اهداف به‌ظاهر بی‌ضرر و تجاری محور بخشی از یک استراتژی بزرگ‌تر هستند. به گفته شیجینپینگ، هدف نهایی، تثبیت چین به‌عنوان یک قدرت جهانی در جایگاه واقعی آن است. چین قصد دارد تسلط ایالات متحده در خاورمیانه را خدشه‌دار کند و آن را به‌عنوان منطقه‌ای تحت نفوذ پکن قرار دهد (Anchal Vohra, 2022). اهداف چین علاوه بر تأمین نیازهای انرژی خود یا رشد تجارت خود، موضوع تبلیغ ایدئولوژی سیاسی خود نیز می‌باشد. در ظاهر، پکن مدعی است که منطقه را در مسیر بهبود اقتصادی قرار می‌دهد و در ازای نفت و گاز زیرساخت ایجاد می‌کند. در واقع، این کشور دامنه دیپلماتیک خود را گسترش داده و به سمت پروژه بسیار عظیمتری پیش رفته است و آن حمایت از کشورهای منطقه و اعطای اعتبار به آنها در راستای منافع خود بوده است. چین می‌خواهد به مردم خودش و دنیا نشان دهد که ایدئولوژی سیاسی‌اش همیشه بهتر بوده است و در سطح جهانی به دنبال راهی برای پایان‌دادن به درگیری‌ها و مشکلات موجود است.

چین صلح توسعه‌ای را بر مفهوم غربی صلح دموکراتیک در خاورمیانه پیشنهاد می‌کند. در واقع پکن معتقد است که جامعه بین‌المللی باید به‌جای صدور دموکراسی نامناسب، بر ارائه کمک‌های اقتصادی بسیار مورد نیاز به منطقه تمرکز کند (Camille Lons, Jonathan Fulton, Degang Sun, & Naser Al-Tamimi, 2019). اما در مرکز این سیاست، اعتقاد شیجینپینگ است که چین - نه ایالات متحده - باید ابرقدرت جهان باشد. به‌عبارت‌دیگر، چین مطمئن است که رویکرد توسعه‌ای آن محبوب‌تر از دیپلماسی «ارزش‌ها و صلح دموکراتیک» غرب در خاورمیانه است. بر اساس فلسفه سیاسی چین و ذهنیت نخبگان حاکم، تنها توسعه و شکوفایی اقتصادی می‌تواند صلح، تمدن و حکمرانی خوب را به ارمغان آورد. دهه‌ها جنگ، خونریزی، و سیاست‌های شکست‌خورده ایالات متحده در خاورمیانه و همچنین عقب‌نشینی جو بایدن، رئیس‌جمهور ایالات متحده از منطقه، روایت چین را برای بسیاری از اعراب جذاب کرده است. اگرچه مردم کشورهای عربی منطقه ممکن است به طور کامل از جزئیات دست‌دادن دیپلماتیک بین حاکمان خود و رهبری چین آگاه نباشند، اما کسانی که برای مدت طولانی از جنگ و محرومیت از مایحتاج اولیه رنج برده‌اند، اگر بتوانند به اقتصاد چین کمک کنند، پذیرای ایده‌های سیاسی چین خواهند بود. در سال‌های اخیر آمریکا در خاورمیانه بی‌سکان گشته و اروپا در مورد سیاست خارجی، گفتار و رفتارش یکی نیست. اما چین بر خلاف هر دو، چیزهای زیادی برای ارائه دارد و تمرکز بر اقتصاد و توسعه به‌جای سیاست جذاب‌تر به نظر می‌رسد.

در مورد نیات چین در مورد اینکه تا چه حد می‌خواهد در بخش امنیتی پیش برود، بین تحلیلگران اختلاف نظر وجود دارد. آیا پکن می‌خواهد فقط فناوری خود را بفروشد یا می‌خواهد در نهایت به‌عنوان ضامن امنیت جایگزین ایالات متحده شود؟ به‌طور کلی می‌توان گفت که معاملات امنیتی کلی چین به دلیل روابط نظامی ایالات متحده ضعیف است. اما ممکن است تغییر کند. چین ممکن است برای تأمین منافع اصلی خود به نقش منطقه‌ای بزرگ‌تری کشیده شود و این احتمالاً شامل نقش امنیتی تقویت شده نیز خواهد بود. اما به نظر می‌رسد پکن همچنان در مورد ورود بیش از حد محتاط باشد. اما نکته مهم‌تر آنکه برخی می‌گویند حتی نقش محدود فعلی آن نیز بسیار بی‌ثباتکننده است. چندی پیش گزارش منتشر شد که بیان می‌کرد چین به سعودی‌ها کمک می‌کند تا دسته جدیدی از موشک‌های بالستیک بسازند (Zachary Co-hen, 2021). هم ایران و هم عربستان سعودی شرکای استراتژیک جامع چین هستند. در نتیجه، چین ترجیح می‌دهد فعلاً کمک نظامی خود به عربستان را از این طریق توجیه کند که صرفاً برای ایجاد توازن قوا در منطقه انجام می‌دهد. در واقع، چین به‌طور مؤثری رقابت تسلیحاتی را در منطقه‌ای که پیش‌ازاین ناآرام بود

تشدید می‌کند و از این رقابت سود می‌برد. از طرفی، گسترش برنامه موشکی عربستان، محدود کردن برنامه موشکی ایران را برای ایالات متحده سخت‌تر می‌کند و بهانه‌ای برای دور نگه داشتن آن از میز در مذاکرات آینده به آن می‌دهد. چین به طور فزاینده‌ای با رهبران و حکام خاورمیانه هماهنگ می‌شود و به آنها در ازای معاملات انرژی و تجاری، حمایت دیپلماتیک ارائه می‌دهد. همچنین چین می‌خواهد منطقه را به سمتی ببرد تا تحریم‌های ایالات متحده دیگر نتواند عرضه نفت را متوقف کند. در حال حاضر، چین از قدرت نظامی روسیه استفاده می‌کند تا از دخالت نظامی در درگیری‌های امنیتی منطقه دور بماند. اما پکن اگر بخواهد یک رهبر جهانی باشد، نمی‌تواند برای همیشه در رقابت‌های منطقه‌ای روی حصار باقی بماند.

## تغییر تمرکز از تجارت و اقتصاد به ژئوپلیتیک

اما نکته مهم دیگری که باید در نظر داشت این است که شاهد یک تغییر تمرکز از تجارت و اقتصاد به ژئوپلیتیک در سیاست خارجی چین خواهیم بود. در دو دهه گذشته، صحبت‌های رهبران چین در مورد منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا به شدت بر تجارت و اقتصاد متمرکز شده است. مطابق با آنچه رئیس‌جمهور چین، شی‌جین‌پینگ از آن به عنوان "همکاری برد - برد" یاد می‌کرد که به موجب آن چین نیازهای خود را از طریق تجارت برآورده می‌کرد (Roie Yellinek, ۲۰۲۲). اما رویدادهای اخیر نشان می‌دهد که این پویایی اکنون تغییر کرده است و این نکته مهمی می‌باشد که در تحلیلها باید به آن توجه نمود. پس از سال‌ها روابط اقتصادی بین چین و منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا، رویدادهای اخیر روشن کرده است که عصر جدیدی با تمرکز بیشتر بر ژئوپلیتیک آغاز شده است. حتی اگر این دگرگونی کند بوده و شکلی متفاوت از الگوی تثبیت شده تعامل غرب با منطقه به خود گرفته باشد، در حال وقوع است. بسیاری از کشورهای خاورمیانه به شراکت موازی با واشنگتن و پکن به عنوان تنها راه برای عبور از دام‌های رقابت قدرت‌های بزرگ و حفظ منافع کشورهای خود ادامه می‌دهند. اگر ایالات متحده می‌خواهد روابط نزدیک خود را با کشورهای خاورمیانه و شمال آفریقا حفظ کند، باید به آنها کمک کند تا در این پویایی پیچیده حرکت کنند و به دنبال تضمین آینده اقتصادی و نظامی خود باشند.

## صلح توسعه‌ای به جای صلح دموکراتیک

چین در تلاش‌های خود برای ترویج سیاست عدم مداخله در امور داخلی کشورهای خاورمیانه و شمال آفریقا ثابت‌قدم بوده است. چین برای حمایت از ایده خود مبنی بر عدم مداخله در منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا تا آنجا پیش رفته است که به شدت با مداخله ایالات متحده در منطقه و تلاش‌های این کشور برای ترویج دموکراسی در منطقه مخالف است. مخالفت چین با ترویج دموکراسی توسط ایالات متحده در برخی از کشورهای منطقه می‌تواند تا حدی با تهدیدی که برای اقتدار حزب کمونیست در چین ایجاد می‌کند تعریف شود. حزب کمونیست می‌داند که تعداد فزاینده‌ای از نظام‌های سیاسی دموکراتیک می‌توانند یک اثر دومینویی ایجاد کنند و به دنبال آن مردم چین بخواهند به دنبال دموکراسی در چین باشند؛ بنابراین، حزب کمونیست برای اطمینان از تسلط بر قدرت و خنثی کردن تلاش‌های ایالات متحده برای ارتقای دموکراسی در منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا، سیاست «صلح توسعه‌ای» را در قبال منطقه اتخاذ کرده است که در تضاد با مفهوم غربی صلح دموکراتیک است. ایده اساسی صلح توسعه‌ای این است که علت ریشه‌ای بی‌ثباتی در منطقه، رکود اقتصادی، بیکاری بالا، زیرساخت‌های ضعیف، رشد سریع جمعیت و فرار مغزها است (Sun, ۲۰۱۹). در نهایت، می‌توان ادعا کرد که چین با حمایت از اصل عدم مداخله و اتخاذ سیاست‌هایی مانند صلح توسعه‌ای، وضعیت موجود در منطقه را برای اهداف داخلی خود هموار می‌کند.

## روابط اقتصادی، همچنان بستر مناسبات چین و خاورمیانه



روابط اقتصادی همچنان بستر مناسبات چین و خاورمیانه را تشکیل می‌دهد. در سال ۲۰۱۶، زمانی که شیجینپینگ از خاورمیانه بازدید کرد، حزب کمونیست چین سند سیاست عربی این کشور را منتشر کرد. امنیت انرژی هسته اصلی این الگو را تشکیل می‌دهد و به دنبال آن سرمایه‌گذاری در منطقه و تجارت با آن انجام می‌شود و توسعه انرژی هسته‌ای در خاورمیانه به پایان می‌رسد (Fulton, Jonathan. ۲۰۱۹).

کشورهای خاورمیانه از نظر منابع نفت و گاز طبیعی مایع غنی هستند. در طول دهه کنونی، مانند دهه قبل، چین به منابع انرژی نیاز دارد تا اقتصاد خود را در حال توسعه نگه دارد؛ بنابراین، دهه حاضر شاهد افزایش چند برابری در واردات انرژی چین بوده است. در سال ۲۰۱۵، چین از ایالات متحده پیشی گرفت و به بزرگ‌ترین واردکننده نفت خام جهان تبدیل شد که ۴۰ درصد از واردات نفت این کشور از کشورهای خاورمیانه است (Lons, Camille. ۲۰۱۹).

شواهد بالا حاکی از اهمیت خاورمیانه برای امنیت انرژی چین است. در همین راستا، چین همواره تلاش می‌کند تا از عملکرد خطوط ارتباطی دریایی مانند تنگه هرمز، برای جریان واردات انرژی اطمینان حاصل کند (Al-Tamimi, Naser. ۲۰۱۹). با این حال، شواهد هنوز اجازه درک جامع از منافع اقتصادی چین در منطقه را نمی‌دهد و درک بهتر نیاز به ارزیابی سرمایه‌گذاری‌های زیرساختی چین و روابط تجاری با این منطقه دارد.

## اهمیت خاورمیانه در ابتکار کمربند و جاده

دولت چین ابتکار کمربند و جاده را برای دستیابی به هدف خود برای تبدیل شدن به مرکز تجارت جهانی اعلام کرد. این طرح دارای شش کریدور است و یکی از کریدورها، یعنی کریدور اقتصادی چین - غرب آسیای مرکزی، آسیای مرکزی را به ایران متصل می‌کند و به ترکیه ختم می‌شود. ترکیه، یک کشور واقع در خاورمیانه، به‌عنوان پلی بین آسیای مرکزی و اروپا عمل می‌کند؛ بنابراین، خاورمیانه به منطقه مهمی برای موفقیت این طرح تبدیل شده است. این امر تا حدودی دلیل تصمیم چین برای "تعریف خاورمیانه به‌عنوان منطقه همسایه" در سال ۲۰۱۳ را روشن می‌سازد. طبقه‌بندی خاورمیانه به‌عنوان همسایه به این معنی است که این منطقه به یک منطقه استراتژیک دارای اولویت برای چین تبدیل شده است.

## روابط تجاری چین و خاورمیانه

مانند دهه گذشته، چین برای صادرات کالاهای تولیدی خود به بازارهای خاورمیانه و کشورهای خاورمیانه برای صادرات نفت به چین نیاز دارند؛ بنابراین روابط تجاری چین و خاورمیانه در این دهه رو به افزایش است. بر اساس گزارش وزارت بازرگانی چین در سال ۲۰۱۸، تجارت بین چین و کشورهای عربی به ۲۴۴.۳ میلیارد دلار رسید. روابط تجاری ناگزیر به بهبود است زیرا کشورهای خاورمیانه، به‌ویژه کشورهای خلیج فارس، در تلاش برای تنوع بخشیدن به روابط تجاری خود هستند، و این کشورها چین را به‌عنوان متحدی بالقوه برای بهبود روابط تجاری خود می‌بینند.

## روابط در حال تکامل

بخش‌های بالا روابط روبه‌رشد بین کشورهای خاورمیانه و چین را توضیح می‌دهد. علاوه بر این، چین تلاش‌های مستمری برای تقویت این روابط انجام می‌دهد تا از منافع انرژی خود محافظت کند که اغلب آن را یکی از اهداف اصلی سیاست خارجی این کشور می‌دانند (Heath, R. & Timothy, ۲۰۱۶). از سوی دیگر، کشورهای خاورمیانه نیز مشتاق به تقویت روابط نزدیک با چین هستند که تنوع بخشیدن به روابط تجاری خود و کاهش وابستگی بیش از حد به ایالات متحده از دلایل اصلی آن می‌باشد. این امر به‌ویژه در مورد



پادشاهی‌های عربی که اغلب توسط ایالات متحده به دلیل نقض حقوق بشر مورد بررسی قرار می‌گیرند، صادق است. با این وجود، ایالات متحده همچنان یک بازیگر مهم در منطقه است، اما نفوذ فزاینده چین می‌تواند ژئوپلیتیک منطقه را تغییر دهد.

## نتیجه

چین در قرن بیست و یکم جای پای خود را در خاورمیانه تقویت کرده است. این کشور روابط اقتصادی و دیپلماتیک خود را با کشورهای خاورمیانه برای سه هدف اصلی تقویت نموده است:

۱. چین می‌خواهد نفوذ سیاسی خود را در منطقه خاورمیانه افزایش دهد و با سیاست‌های ایالات متحده در این منطقه مخالفت کند.

۲. چین به دنبال حصول اطمینان از عرضه مداوم انرژی از منطقه برای حفظ رشد اقتصاد خود است.

۳. تبدیل ابتکار کمربند و جاده به یک موفقیت جهانی، تنها با همکاری کشورهای خاورمیانه ممکن خواهد بود.

در پایان باید گفت که چین از اوایل دهه ۲۰۰۰ شروع به تأمین منافع انرژی خود از این منطقه کرد و در دهه ۲۰۱۰ با استفاده از ابزارهای استراتژیک مختلف، شروع به دنبال کردن جدیتر دو هدف دیگر خود کرد. از جمله این ابزارها می‌توان از سیاست‌هایی مانند دیپلماسی مشارکتی و صلح توسعه‌ای نام برد که در این یادداشت به آن اشاره شد. با توجه به این سیاست‌ها، چین روابط دوستانه با اکثر کشورهای منطقه را تقویت کرده و به متحد بالقوه آنها تبدیل شده است.

## منابع

۱. Zhang, Xiaodong. ۱۹۹۹. "China's Interests in the Middle East: Present and Future." Middle East Policy Council, vol. IV, no.۳. <https://mepc.org/journal/chinas-interests-middle-east-present-and-future>
۲. Lyall, Nicholas. ۲۰۱۹. "China in the Middle East: Past, Present, and Future." The Diplomat, February ۱۶, ۲۰۱۹. <https://thediplomat.com/۲۰۱۹/۰۲/china-in-the-middle-east-past-present-and-future/>
۳. Chen, James. ۲۰۱۱. "The Emergence of China in the Middle East." Strategic Forum ۲۷۱, (December): ۱-۸. <https://inss.ndu.edu/Portals/۶۸/Documents/stratforum/SF-۲۷۱.pdf>
۴. Fulton, Jonathan. ۲۰۱۹b. "China's Challenge to US dominance in the Middle East." In China's Great Game in the Middle East, edited by Camille Lons, (October): ۱۰-۱۶. European Council on Foreign Relations. [https://ecfr.eu/publication/china\\_great\\_game\\_middle\\_east/](https://ecfr.eu/publication/china_great_game_middle_east/)
۵. Singh, Michael. ۲۰۱۴. "Chinese Policy in the Middle East in the Wake of the Arab Uprisings." The Washington Institute for Near East Policy, (December): ۱-۱۲. <https://www.washingtoninstitute.org/uploads/Documents/opeds/ChineseMiddleEastPolicySingh۲۰۱۴۱۲.pdf>
۶. China and the Middle East – A priceless pivot. Retrieved from centralbanking website: <https://www.centralbanking.com/central-banks/economics/۴۷۳۸۰۹۱/china-and-the-middle-east-a-priceless-pivot>
۷. Xi Jinping Has Transformed China's Middle East Policy. Retrieved from foreignpolicy website: <https://foreignpolicy.com/۲۰۲۲/۰۲/۰۱/xi-jinping-has-transformed-chinas-middle-east-policy/>
۸. China's great game in the Middle East. Retrieved from ecfr.eu website: [https://ecfr.eu/publication/china\\_great\\_game\\_middle\\_east/#a۲](https://ecfr.eu/publication/china_great_game_middle_east/#a۲)
۹. US intel and satellite images show Saudi Arabia is now building its own ballistic missiles with help of China. Retrieved from cnn website: <https://edition.cnn.com/۲۰۲۱/۱۲/۲۳/politics/saudi-ballistic-missiles-china/index.html>
۱۰. The strengthening ties between China and the Middle East. Retrieved from mei.edu website: <https://www.mei.edu/publications/strengthening-ties-between-china-and-middle-east>
۱۱. Sun, Degang. ۲۰۱۹. "China's approach to the Middle East: Development before Democracy." In China's Great Game in the Middle East, edited by Camille Lons, (October): ۱۶-۲۵. European Council on Foreign Relations. [https://ecfr.eu/publication/china\\_great\\_game\\_middle\\_east/](https://ecfr.eu/publication/china_great_game_middle_east/)
۱۲. Fulton, Jonathan. ۲۰۱۹a. "China's changing role in the Middle East." Atlantic Council, (June): ۱-۲۸. [https://www.atlantic-council.org/wp-content/uploads/۲۰۱۹/۰۶/Chinas\\_Changing\\_Role\\_in\\_the\\_Middle\\_East.pdf](https://www.atlantic-council.org/wp-content/uploads/۲۰۱۹/۰۶/Chinas_Changing_Role_in_the_Middle_East.pdf)
۱۳. Lons, Camille. ۲۰۱۹. "China's evolving role in the Middle East." In China's Great Game in the Middle East, edited by Camille Lons, (October): ۲-۱۰. European Council on Foreign Relations. [https://ecfr.eu/publication/china\\_great\\_game\\_middle\\_east/](https://ecfr.eu/publication/china_great_game_middle_east/)
۱۴. Al-Tamimi, Naser. ۲۰۱۹. "The GCC's China policy: Hedging against Uncertainty". In. China's Great Game in the Middle East, edited by Camille Lons, (October): ۲۵-۳۲. European Council on Foreign Relations. [https://ecfr.eu/publication/china\\_great\\_game\\_middle\\_east/](https://ecfr.eu/publication/china_great_game_middle_east/)
۱۵. Heath, R., Timothy. ۲۰۱۶. "China's Evolving Approach to Economic Diplomacy." Asia Policy ۲۲, (July): ۱۵۷-۹۱.

